

## شاخص های زیست مطلوب زن از منظر آیات و روایات

حمیده مخلصی<sup>۱</sup>

مریم عبیری<sup>۲</sup>

### چکیده

زیست مطلوب یا همان سبک زندگی مطلوب، مساله ای است که در سال های اخیر در پژوهش های بسیاری به آن پرداخته شده است. در قرآن و روایات ائمه اطهار علیهم السلام، بعنوان منبع اصلی واصل دین اسلام به نکات مهمی در مورد زیست زنان اشاره شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی شاخص های زیست مطلوب زن در قرآن و روایات، با روش توصیفی تحلیلی به بررسی استعدادها و نیازهای زن پرداخته است. بنابر نتایج به دست آمده از این پژوهش، استعداد دریافت کمالات روحی، نبوغ در پذیرش حق، استعداد مهرورزی و توانایی کنشگری اجتماعی از استعدادهای بیان شده در آیات و روایات هستند و آرامش، تکریم و احترام، شادی و حمایت از جمله نیازهای زنان است. همچنین زیستی که پاسخگوی این نیازها در سایه شکوفایی استعدادهای زنان باشد زیست مطلوب از منظر آموزه های دین است.

کلید واژه: زن، زیست مطلوب، سبک زندگی، قرآن، روایات

۱. دکترای اخلاق اسلامی، استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران

۲. طلبه سطح ۴ رشته فقه خانواده، مؤسسه آموزش عالی حوزوی فاطمه الزهرا سلام الله علیها سمنان

## مقدمه

زن به عنوانی یکی از ارکان خانواده و جامعه جایگاه مهمی در اندیشه اسلامی دارد. دین اسلام در بین ادیان - الهی و غیر الهی - و مکاتب و جریان های فرهنگی - سیاسی از جمله فمینیسم، بیشترین توجه را به زندگی و شخصیت زنان نموده است؛ ارزش و جایگاه او را در خانواده و جامعه به عنوان یک نقش تاثیرگذار معرفی می نماید.

سبک زندگی امری جدا از باورها و عقاید افراد نیست و نمی توان سبکی را پیشنهاد داد که افراد با آن بیگانه باشند. در طول تاریخ سبک های زیست مختلفی برای زنان با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم جوامع، تعریف شده است و گاهی این سبک ها با روحیات زنانه، سازگار نبوده و به جبر آن را پذیرفته اند. سبک هایی که نه با نیازها و با استعداد های زن سازگاری داشته اند بلکه اندیشه و فرهنگ قوم یا جامعه ای آن را می پسندیده.

سبک های تهاجمی نیز همواره با آسیب های زیادی همراه بوده اند و نمی توان آن را به عنوان سبک زندگی بانوی ایرانی پذیرفت. زیرا با باورها و رسوم ایرانی در تقابلند و نیز آینده روشنی را به زن ایرانی نوید نمی دهند.

هدف از پژوهش حاضر بررسی شاخص های زیست مطلوب زن در قرآن و روایات، با روش توصیفی تحلیلی به بررسی استعدادهای و نیازهای زن پردازد. در راستای این پژوهش و با موضوع زیست زن یا سبک زندگی زنان آثاری منتشر شده است؛ از جمله کتاب سبک زندگی زنان، نوشته امیر حسین بانکی پور فرد که به جمع آوری مجموعه ی بیانات مقام معظم رهبری در مورد سبک زندگی زنان پرداخته است و موضوعات مختلفی را مانند تعریف خطوط کلی سبک زندگی زنان در قالب سبک زندگی فردی و اجتماعی، فلسفه حجاب اجتماعی و تناسب آن با مد و حیا، نقش ازدواج در سبک زندگی خانوادگی و اهمیت و موانع و دیدگاه های غلط و صحیح به آن، نقش و ارزش معنوی زن در خانواده و بررسی جایگاه زن در نظام اجتماعی و... را بررسی کرده است و نیز مقاله «نقش زنان در سبک زندگی اسلامی» نوشته اشرف روشنی سالار و ملیکه سیاحی که در کنفرانس زن مسلمان ایرانی در آئینه الگوی پیشرفت پنجاه ساله منتشر شده است.

برای دستیابی به شاخص های زیست مطلوب زن از نگاه قرآن و روایات لازم است استعدادهای، ظرفیت و نیازهای او بررسی شود و در سایه این کاوش زیست مطلوب زن نمود پیدا کند. در این نوشتار

سعی شده به مهم ترین این مسائل اشاره شود و پاسخ به سوال اصلی مقاله یعنی «شاخص های زیست زن از منظر قرآن و روایات کدامند؟» می باشد که در قالب سوالات فرعی مانند «استعداد و ظرفیت وجودی زن از منظر آیات و روایات کدامند؟» و «نیازهای زن از منظر آیات و روایات کدامند؟» به آن پرداخته خواهد شد.

## ۱. مفهوم شناسی

### – زیست یا سبک زندگی

زیست در لغت به معنای زندگی و حیات است (دهخدا، ذیل واژه). منظور از زیست زن، سبک زندگی اوست. در ادامه تعریف زندگی برای روشن شدن ابعاد زیست مطلوب زن، خوب است مفهومی از سبک زندگی نیز ارائه شود.

سبک زندگی ترکیبی از دو واژه سبک و زندگی است. معنای لغوی واژه «زندگی» روشن است، اما در تعریف واژه «سبک» در لغت نامه ها معانی گوناگونی درج شده است. «سبک» در لغت به طلا یا مانند آن گویند که در آتش گداخته و در قالب ریخته شود (فراهیدی، ۱۴۰۵: ۵). منظور از سبک ریختنی است که به عنوان یک صنعت و برآیند از مجموعه داشته ها، دانسته ها، ارزشها و باورها در زندگی فرد ظهور می یابد. بنابراین وقتی از سبک زندگی سخن می گوییم به یک مدل رفتاری و آنچه از عملکرد فرد و مواجهه اش با پدیده های مختلف می بینیم، اشاره می کنیم؛ حال می خواهد این پدیده مطلوب یا اینکه مکروه باشد (بهجت پور، ۱۳۹۴: ۱۰۰).

سبک زندگی، اموری را شامل می شود که به زندگی انسان اعم از بعد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی او مربوط می شود: اموری نظیر بینش ها (ادراک ها و معتقدات) و گرایش ها، ارزش ها، تمایلات و ترجیحات که اموری ذهنی یا رفتار درونی هستند و رفتارهای بیرونی (اعم از اعمال هشیارانه و غیر هشیارانه، حالات و وضعیت جسمی)، وضع ها (موقعیت های اجتماعی) و دارایی ها که اموری عینی می باشند (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲۲۳).

## ۲. استعداد و ظرفیت وجودی زن از منظر قرآن و روایات

### ۲/۱. استعداد روحی برای کسب کمالات

قرآن کریم حقیقت هر انسانی را روح او دانسته و بدن را نه تمام حقیقت او بلکه آن را ابزار وی می داند و این منافات ندارد که انسان در نشئه دنیا برزخ و قیامت بدنی متناسب با همان نشئه و مرحله

داشته باشد زیرا همان طوری که در دنیا بدن فرع است، نه اصل و نه جز اصل در برزخ و قیامت نیز چنین است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۷۶).

## ۲/۲. هوشمندی و نبوغ در پذیرش حق

در صدر اسلام و با دعوت رسمی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) زنان بسیاری به آن حضرت ایمان آوردند و مساله سبقت در اسلام، از فضایل افراد در آن زمان به شمار می رفت. از این رهگذر می توان به هوشمندی و نبوغ زنانی پی برد که قبل از همسران خود، دین حنیف را پذیرفته و حقانیت آن را با استدلال تشخیص داده و در پرتو عزم استوار به آن ایمان آورده اند. در حالی که مردان فراوانی، نه تنها از پذیرش آن استنکاف و در حقانیت آن تردید داشته اند، بلکه برای اطفاء نور آن سعی بلیغ نموده اند، گرچه طرفی نبسته اند (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۳۶). بنابراین می توان گفت زن ها در پذیرش حق و درک درست شرایط از هوش و نبوغ برخوردارند و با تربیت صحیح، حفظ و صیانت از عرف اجتماعی می توان این نبوغ را تقویت کرد و رشد داد.

## ۲/۳. استعداد مهرورزی

بنیاد خانواده و نیز جامعه برای کسب فضایل انسانی و رشد صحیح در محور اخلاق نیازمند روحیه ای لطیف و رحم و شفقت است که این مهم در وجود زن، به نحو احسن و اکمل قرار داده شده تا زمینه ساز استواری خانواده و جامعه باشد.

این مساله که اساس خانواده بر محور محبت است نه شهوت، امری غیر قابل انکار است که همه انسانها، آن را در خانواده خود به خوبی حس کرده اند، زیرا اگر قرار بود محور خانواده بر اساس شهوت باشد، استمرار آن منوط به ایام جوانی و زیبایی بود و نیز کودکان در این محیط امکان رشد نداشتند، زیرا خانواده در چنین شرایطی، محیط سالمی برای رشد آنها نبود.

محبت عاملی است که در کنار خود، گذشت، مدارا، تغافل، بخشش و سایر ارزش های اخلاقی را فراهم می آورد اما شهوت، به تنهایی قادر به فراهم آوردن فضایل نیست.

در این میان، زن مسئولیت مهرورزی به همسر و فرزندان را به سهولت و برخواسته از فطرت، انجام داده و نیاز به توصیه و نصیحتی در این باره ندارد. ناگفته نماند که برای استحکام خانواده این مهرورزی باید دوطرفه بوده و از جانب مرد نیز صورت بپذیرد.

## ۲/۴. توانایی کنشگری اجتماعی

در قرآن به کنشگری زنان بانوان مختلفی اشاره شده که گاه به عنوان الگوی مناسب و شایسته و گاه به عنوان الگوی ناشایست از آنها نام برده شده است. ترسیم سیمای فعالیت اجتماعی زن و تاریخ سازی او در قرآن به زیبایی انجام شده است.

گاه نیز دستوراتی درباره سبک زندگی مطلوب قرآنی به زنان داده شده است که با دلایل مختلف و به منظور سعادت زن، به شیوه درستی از روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اشاره می کند. در روایات و متون تاریخی نیز به انحاء مختلف می توان کنشگری بانوان را مشاهده نمود و از بین این متون به این استعداد و توانایی بانوان اشاره داشت.

نمونه ای از کنشگری اجتماعی بانوان در داستان بیعت آنان با رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در قرآن بیان شده است که می توان از آن به تصمیم سازی بانوان یاد کرد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (آیه ۱۲، ممتحنه) ای پیغمبر (گرامی) چون زنان مؤمن آیند که با تو بیعت کنند که دیگر هرگز شرک به خدا نیاورند و سرقت و زنا کاری نکنند و اولاد خود را به قتل نرسانند و بر کسی افترا و بهتان میان دست و پای خود نبندند (یعنی فرزندی را که میان دست و پای خود پرورده و علم به آن از انعقاد نطفه او دارند به دروغ به کسی غیر پدرش نبندند) و با تو در هیچ امر معروفی مخالفت نکنند، بدین شرایط با آنها بیعت کن و بر آنان از خدا آمرزش و غفران طلب، که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

و نیز می توان به بحث دعوت به نیکی ها و نهی از بدی ها به عنوان یکی از مصادیق کنشگری اجتماعی بانوان اشاره نمود: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» «مردان و زنان با ایمان، یار و یاور و اولیای یکدیگرند، به معروف فرمان می دهند و از منکرات و بدی ها نهی می کنند، نماز بر پای داشته، زکات می پردازند و از خداوند و پیامبرش پیروی می کنند. به زودی خداوند آنان را مشمول رحمت خویش قرار خواهد داد. همانا خداوند، توانای غالب و حکیم است».

داستان مباحله نیز، ترسیم الگوی مشارکت اجتماعی بانوان است که در قرآن به آن اشاره شده است: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران، ۶۱). مهمترین دستاورد این آیات این است که این امور به عهده همه مردم گذاشته شده است و همگان از زن و مرد در برابر آن مسئول هستند.

خداوند متعال به هر یک از دو جنس زن و مرد موهبت‌ها، استعداد و توانایی خاصی داده است که در جهت رشد او و بر اساس نیاز اوست و این مساله نباید عاملی برای چشم‌داشت یکی از این دو جنس به دیگری باشد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (نساء، ۳۲). «آرزو (و توقع بیجا) در فضیلت و مزیتی که خدا به آن بعضی را بر بعضی برتری داده مکنید؛ که هر یک از مرد و زن از آنچه اکتساب کنند بهره‌مند شوند. و هر چه می‌خواهید از فضل خدا درخواست کنید (نه از خلق) که خدا به همه چیز داناست».

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در این باره می‌فرماید: «اسلام بین زن و مرد از نظر تدبیر شؤون اجتماع و دخالت اراده و عمل آن دو در این تدبیر، تساوی برقرار کرده، علتش هم این است که همان‌طور که مرد می‌خواهد بخورد و بنوشد و بپوشد، و سایر حوائجی که در زنده ماندن خود به آنها محتاج است به دست آورد، زن نیز همین‌طور است، و لذا قرآن کریم می‌فرماید: «بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ». پس همان‌طور که مرد می‌تواند خودش در سرنوشت خویش تصمیم بگیرد و خودش مستقلاً عمل کند و نتیجه عمل خود را مالک شود، همچنین زن چنین حقی را دارد بدون هیچ تفاوت: «لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ». پس زن و مرد در آنچه که اسلام آن را حق می‌داند برابرند، و به حکم آیه: «يُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ»، چیزی که هست خدای تعالی در آفرینش زن دو خصلت قرار داده که به آن دو خصلت، زن از مرد امتیاز پیدامی‌کند. این بود مقام و موقعیت اجتماعی زن و با این بیان موقعیت اجتماعی مرد نیز معلوم می‌شود و نیز پیچیدگی و اشکالی که در احکام مشترک بین آن دو و احکام مخصوص به هر یک از آن دو، در اسلام هست حل می‌گردد، همچنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا». و منظور از این گفتار آنست که اعمالی که هر یک از زن و مرد به اجتماع خود هدیه می‌دهد باعث آن می‌شود که به فضلی از خدا اختصاص یابد، بعضی از فضل‌های خدای تعالی فضل اختصاصی به یکی از این دو طائفه است، بعضی مختص به مردان و بعضی دیگر مختص به زنان است. (طباطبایی، ج ۲، ص ۴۱۰)

مساله اشتغال زنان نیز نمود دیگری از کنشگری اجتماعی است که در تاریخ اسلام مشاهده می‌شود و در آیات قرآن نیز مورد تایید قرار گرفته است. در صدر اسلام برخی زنان، جواز فعالیت شغلی خود را از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) دریافت کرده‌اند. مخالفت نکردن ایشان با زنان شاغل نیز نشان از تجویز فعالیت اقتصادی آنان بوده است (زعفرانچی، ۱۳۸۸: ۷۴). البته مساله اشتغال همراه با

پیامدهای مثبت و منفی برای زن، خانواده و جامعه است که میتوان با مدیریت، پیامدهای منفی آن را کاست.

### ۳. نیازهای زیست زنانه از منظر قرآن و روایات

#### ۳/۱. نیاز به آرامش

آرامش از نیازهای اساسی انسان است و در قرآن و روایات عواملی زیادی به عنوان عامل آرامش بخش معرفی شده اند. از جمله استقامت (فصلت، ۳۰)، اقامه نماز (بقره، ۲۷۷)، انفاق (بقره، ۲۶۲)، ایمان (آل عمران، ۱۳۹)، تقوا (یونس، ۶۲) و همسر.

خداوند از زن به عنوان عاملی برای آرامش بشر یاد نموده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف، ۱۸۹). زنان به دلیل فعال بودن بیشتر عواطف در وجودشان می توانند عاملی برای آرامش خانواده و تلطیف روحی در محیط جامعه باشند.

از طرفی خود زن نیز به دلیل لطافت روحی بیشتر به آرامش نیاز دارد. نداشتن تنش، اضطراب و نگرانی در محیط منزل می تواند به تحکیم خانواده و رشد اعضای خانواده کمک نماید. برای ایجاد فضایی آرام در محیط خانواده ابتدا باید مشکلات و اختلافات را در فضایی آرام و به دور از بحران، بررسی نمود و درباره آن گفت و گو کرد. فضایی که به دور از خشونت خانگی بوده و همه اعضا در آن احساس آرامش کنند.

خشونت خانگی به معنای رفتاری غیرقانونی با همسر یا کودک در محیط خانه با هدف آسیب رساندن جسمانی یا روانی یا تهدید این امور است (سالاری فر و تبیک، ۱۳۸۹: ۸۸). داد و فریاد، بددهانی، توهین، مسخره کردن، بهانه گیری و آزار جسمانی از مصادیق خشونت خانگی علیه زنان هستند که آرامش را از زن گرفته و او را دچار اضطراب ها و نگرانی های متعدد می نماید و از رشد و پیشرفت در زندگی فردی و اجتماعی بازخواهد داشت (همان).

همچنین، زیاد بودن مسئولیت ها، نداشتن درک صحیح از زندگی و مرگ، درک نشدن توسط اعضای خانواده و قرار گرفتن در محیط های کاری پر استرس، نیز از عوامل دیگری هستند که آرامش روانی زن را تهدید می کنند و زمینه زیست مطلوب را از او خواهند گرفت.

نگرانی درباره آینده، وضعیت اقتصادی نا به سامان، رفتارهای پرخطر اعضای خانواده، ناسازگاری همسر و فرزندان نیز از دیگر عوامل تهدید کننده آرامش در زندگی زنان هستند.

### ۳/۲. نیاز به احترام و تکریم

هر انسانی با توجه به شان انسانی نیاز به احترام و تکریم دارد. مساله کرامت انسان در قرآن و روایات مکرر بیان شده است و همگان به حفظ کرامت سایر انسان ها توصیه شده اند. این مهم، به عنوان یکی از فضایل اخلاق اجتماعی، نقش عمده ای در حفظ عزت نفس و انجام صحیح فعالیت های فردی و اجتماعی دارد.

در اندیشه دینی، این نیاز پاسخ داده شده است و سیره نبوی و سبک زندگی ائمه معصومین (علیهم السلام)، ضمن نقد سبک زیستن زنان در جاهلیت عرب، طن و جایگاه واقعی او را به خوبی معرفی نموده و به آن ارج می نهند.

شیوه پیامبر (صلوات الله علیه) آن بود که به ارزش و جایگاه ویژه دختران در زندگی توجه نموده و به تاثیر آنان به عنوان مونس، اهل مدارا و نیکی، با خیر و برکت، اهل پاکیزگی و سبب طراوت زندگی اشاره نماید (حر عاملی، ۱۴۱۴، ح ۲۷۳۰۶ و ۲۷۳۱۴).

سیاست اسلام و حرکت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در دفاع زنان هم بر نقد صریح سنت های موجود استوار بود و هم بر ترسیم شخصیت و جایگاه زنان (دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۵: ۱۰). در روایتی از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده است: «افراد کریم و بزرگوار زنها را مورد احترام و تکریم قرار می دهند؛ ولی اشخاص پست و فرومایه به زنها اهانت می کنند و کرامت آنها را نادیده می گیرند» (پاینده، ۱۳۸۵: ۳۱۸).

نیز پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «هر کس همسری گزید، وی را تکریم کند. (طبرسی، ۱۴۱۱، ج ۱۴: ۲۴۹). تکریم و بزرگداشت زن در خانواده سبب احساس آرامش، اعتماد به نفس و خوش بینی نسبت به زندگی می شود.

### ۳/۳. نیاز به شادی

شادمانی از هیجانات بنیادی انسان است که نقش تعیین کننده ای در تامین سلامت فرد و جامعه دارد. شادی، صرف نظر از چگونگی کسب آن، می تواند سلامت جسمی را بهبود بخشد (خطیب، ۱۳۹۱: ۳۱). افراد شاد احساس امنیت بیشتری دارند، آسان تر تصمیم می گیرند و روحیه مشارکتی بالاتری دارند. هنگامی که انسان، مطلوبی را در نظر دارد، اگر مطلوبش تحقق پیدا کند، حالتی به نام «شادی» و «سرور» به او دست می دهد (مصباح، ۱۳۷۶: ۳۴۳).



شادکامی می‌تواند انسان را برای ادامه‌ی زندگی به راه‌های بهتر راهنمایی کند؛ زیرا هیجان مثبت ناشی از شادکامی به مسئله‌گشایشی موفق و درنگ بیشتر در زندگی منجر می‌شود؛ همچنین شادکامی اثرهای مثبتی بر ادراک، شناخت و تعامل اجتماعی دارد و در افزایش خلاقیت و عمر طولانی نیز مؤثر است (آلان، ۱۳۸۵: ۲۷).

در عین حال می‌دانیم شادی از مقولاتی است که ممکن است پایدار نباشد. بخشی از آموزه‌های دینی، اشاره‌های ظریف و دقیقی به مسئله‌ی شادی در قالب شادی‌های پایدار دارند. شادی‌هایی که در آن، از پیامدهای ناگوار و منفی، خبری نیست و میزان ثبات آن در احوال و روحيات فرد، بیش از انواع دیگر شادی است. دیدگاه اسلام در باره‌ی هیجان شادی، به واسطه‌ی تأکیدهای فراوان، بر چنین شادی‌هایی متمرکز است. این نوع شادی، نشئت گرفته از سرچشمه‌ی «سامانه بزرگ اعتقادی» و «معنابخشی به زندگی» است که به واسطه‌ی آن، پایداری شادی، معنایی دقیق خواهد یافت. خداوند متعال، در آیه ۵۸ سوره یونس می‌فرماید: «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ». «بگو: به فضل و رحمت خدا، باید شادمانی کنند، که این، بهتر است از آنچه می‌اندوزند».

بخش عمده‌ای از احادیث نیز به موضوع روابط اجتماعی، نگاهی عمیق داشته، شادی بخشی را پیامد روابط اجتماعی سالم، همچون دیدار دوستان، می‌داند. رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «ثَلَاثُ فَرَحَاتٍ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا: لِقَاءُ الْإِخْوَانِ، وَتَفْطِيرُ الصَّائِمِ، وَالتَّهَجُّدُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ». (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۶۰). برای مؤمن، سه شادی در دنیا وجود دارد: دیدار برادران، روزه گشودن روزه‌دار و شب زنده داری در پایان شب. در برخی از آموزه‌های دین، روابط اجتماعی، با نوع دوستی و برآوردن نیازهای دیگران، پیوند خورده و عاملی برای شادمانی پایدار، دانسته شده است. روابطی که به همبستگی جامعه کمک نموده، موجب نشاط و شادمانی در جامعه گردد، از نگاه دین، شادی آفرین، تلقی می‌شود. در حدیثی آمده است: «إِنَّ اللَّهَ عِبَادًا فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ هُمْ الْأَمْنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُرُورًا فَرَّحَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۹۸). همانا برای خدا در زمین، بندگانی است که برای [برآوردن] نیازهای مردم، می‌کوشند. اینها روز قیامت، در امان اند و هر که به مؤمنی، شادی رساند، خدا روز قیامت، دلش را شاد می‌سازد.

### ۳/۴. نیاز به حمایت

زن با توجه به لطافت روحی و ظرافت جسمانی، نیاز به حمایت اطرافیان را بیش از مرد در خود احساس می‌کند. در اندیشه اسلامی، این نیاز از راه‌های مختلف پاسخ داده خواهد شد. در قرآن بحث قوامیت مرد و زن بیان شده که گاه به اشتباه ملاکی برای برتری مردان بر زنان، تلقی می‌شود، حال اینکه

این مساله در راستای حمایت از زن و خانواده است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (۳۴، نساء). «مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند». در این آیات به بحث نفقه و تامین نیاز مالی زنان توسط مردان نیز اشاره شده که خود بار سنگینی را از دوش زنان برخواهد داشت.

علامه طباطبایی ذیل تفسیر این آیه می‌فرمایند: «تفضیل در مجهز شدن به جهازی است که با آن امر حیات دنیوی یعنی معاش بشر بهتر نظام می‌گیرد و حال مجتمع را به بهترین وجهی اصلاح می‌کنند» اینک مراد از آن کرامت واقعی و فضیلت حقیقی در اسلام یعنی قرب به خدای تعالی باشد، چون از نظر اسلام برتری‌های مادی و جسمی که جز در زندگی مادی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و تا وقتی که وسیله بدست آوردن مقامات اخروی نشود هیچ اهمیتی ندارد (و اگر از این جهت مورد نظر قرار گیرد دیگر فرقی بین آن و امتیازات خاص زنان نیست، آن هم وسیله است این هم وسیله است همچنان که اگر وسیله قرار نگیرد نه آن فضیلت است و نه این). پس از همه آنچه تاکنون از نظر خوانندگان محترم گذشت این معنا بدست آمد که اگر مردان بر زنان برتری داده شده اند بخاطر روح تعقل است که در مساله ارث هم باعث تفاوت در امر ارث و در مسائلی نظیر آن می‌شود لیکن منظور از این برتری برتری واقعی نیست بلکه منظور زیادتری سهم مرد از سهم زن است و اما برتری واقعی که به معنای کرامتی است که اسلام به آن عنایت دارد ملاکش تقوا است، در مرد باشد، مرد برتر است، در زن هم باشد، زن برتر از مرد خواهد بود. (طباطبایی، ج ۴، ۳۴۴)

#### ۴. ترسیم وضعیت مطلوب

وضعیت مطلوب زیست زنانه، وضعیتی است که زن در آن بتواند نیازهای خود را دریافت نموده و استعدادهای خود را شکوفا نماید. وضعیتی که زن در آن با نگاه انسانی نگریسته شود و مورد سوء استفاده قرار نگیرد. زیستی که صرفاً متمرکز بر جسم انسانی نباشد و نیازهای روحی یک زن را نیز پاسخ دهد. زیستی که زن از جنسیت خود در آن راضی و خرسند باشد و تلاش‌های او در جهت بهبود وضع زندگی و خانواده و کار، بیهوده و بی ثمر نماند. ممکن است، برخی از این موارد در همه زمان‌ها برای کسی فراهم نخواهد شد، اما مهم است که به جای ترسیم این زیست، سبک‌های زندگی نادرست و غیر عقلانی جایگزین نشود.

زیستی که در آن، احساسات و عواطف زنانه نادیده گرفته نشود. نقش و مسئولیت های زن، به عنوان یک دختر، مادر، همسر و عضوی از جامعه، قدر دانسته شده و کنشگری او در محیط جامعه با تناقضات فرهنگی و سوگیری های نادرست، به بن بست منتهی نشود.

خود را از بودن در نقش مادری و همسری، سرزنش نکرده و فرهنگ بیگانه در زندگی خانوادگی او خللی وارد نسازد. کشیده شدن به سمت تمایلات نادرست را ارزش تلقی نکرده و برای رسیدن به روح بزرگ و اهداف والای انسانی، تمام همت خود را صرف نماید.

در این سبک، زندگی او شکوفا شده و زنانگی خود را خواهد یافت. جایی که ارزش های والای انسانی جای خود را به ارزش های مادی ندهد اما نیازهای مادی او نیز به عنوان یک انسان برطرف شده و دغدغه رسیده به آنها او را از وظایف انسانی و رشد روحی اش باز ندارد.

ابعاد مختلف روح او در سایه اعتقاد و باور به خدای متعال و توانمندی های زنانه، رشد نموده و زمینه برای شکوفایی استعدادهایش فراهم باشد. آنچه در سیره معصومین (علیهم السلام) در طول تاریخ دیده می شود، پرورش زن های تاریخ ساز است که جز در سایه مشارکت اجتماعی زن و آگاهی او از جامعه حاصل نمی شود. بر اساس متون دینی زیست مطلوب زن، زیستی در رکود و سکون نیست بلکه زیستی فعال در خانواده و جامعه است. زن در اندیشه دینی، زنی خانه نشین و بی اطلاع از شرایط روز اجتماع خود نیست، بلکه زنی آگاه و عملگراست. در آیات متعددی از قرآن نیز به این مشارکت اجتماعی اشاره شده است. به عنوان مثال در بیان داستان ملکه سبا، سبکی از مشارکت سیاسی، اجتماعی با شکوه دیده می شود: «أُنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ». بیان این داستان در قرآن، نشان از توانایی زن در تصمیم سازی و حکمرانی دارد.

زیست مطلوب زن در اندیشه دینی، سبکی است که جایگاه و هویت حقیقی زن، حفظ شده و به سبب جنسیت، ارزش گذاری نشود. علامه طباطبایی درباره هویت زن و جایگاه او بیان زیبایی دارد: «اسلام بیان می کند که زن نیز مانند مرد انسان است، و هر انسانی چه مرد و چه زن فردی است از انسان که در ماده و عنصر پیدایش او دو نفر انسان نر و ماده شرکت و دخالت داشته اند، و هیچ یک از این دو نفر بر دیگری برتری ندارد، مگر به تقوا (طباطبایی، ج ۲، ص ۴۰۶).

و در ادامه می فرماید: «عمل هیچ یک از این دو صنف نزد خدا ضایع و باطل نمی شود، و عمل کسی به دیگری عاید نمی گردد، مگر اینکه خود شخص عمل خود را باطل کند. پس وقتی به حکم این آیات، عمل هر یک از دو جنس مرد و زن (چه خوبش و چه بدش) به حساب خود او نوشته می شود و هیچ مزیتی جز با تقوا برای کسی نیست و با در نظر داشتن اینکه یکی از مراحل تقوا، اخلاق فاضله، چون

ایمان با درجات مختلفش و چون عمل نافع و عقل محکم و پخته و اخلاق خوب و صبر و حلم است، پس یک زنی که درجه ای از درجات بالای ایمان را دارد، و یا سرشار از علم است و یا عقلی پخته و وزین دارد و یا سهم بیشتری از فضائل اخلاقی را دارا می باشد، چنین زنی در اسلام ذاتاً گرامی تر و از حیث درجه بلندتر از مردی است که هم طراز او نیست، حال آن مرد هر که می خواهد باشد، پس هیچ کرامت و مزیتی نیست، مگر تنها به تقوا و فضیلت (طباطبایی، ج ۲، ص ۴۰۷).

زیست مطلوب زن، در قرآن در سایه استقلال مالی و یا حمایت پدر یا همسر از او حاصل می شود و تامین نیازهای اقتصادی خانواده، هیچ گاه بر زن تحمیل نشده است در عین حال به کسب درآمد توسط او احترام گذاشته شده است: «الرَّجَالُ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ» (نساء، ۳۲). دین اسلام ضمن پذیرفتن حضور اقتصادی زنان و تاکید بر مالکیت مطلق آنها، نسبت به اموال شخصی شان، از مردان خواسته که تامین مالی آنها را به عهده بگیرند (علاسوند، ۱۳۸۲: ۱۱۱). با این ترتیب، ضمن حفظ استقلال اقتصادی، زن موظف به تامین مخارج خود نیست.

زن می تواند الگو باشد و این در سایه فعالیت اجتماعی او و روایت سرگذشت او حاصل خواهد شد. در آیاتی از قرآن به زنان الگو اشاره شده است: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ.. وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ» (تحریم، ۱۲ و ۱۱). نیز در روایتی از امام عصر (عج)، حضرت زهرا (سلام الله علیها) به عنوان الگو معرفی شده اند: «ان لی فی ابنة رسول الله اُسوةً حَسَنَةً» برای من در دختر رسول خدا الگویی نیکوست (شیخ طوسی، ۱۴۱۱، ۲۸۶).

زن از منظر تفکر دینی موجودی دارای هویت یکسان با مرد است که هیچ مانعی برای رشد و کمال او وجود ندارد و تمام توصیه های قرآنی و روایی مبنی بر کسب کمالات انسانی و پرهیز از آلودگی های اخلاقی شامل حال او نیز می شود. خداوند در آیه ۱۹۵ سوره آل عمران می فرماید: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ اَنِّیْ لَا اُضِیْعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْکُمْ مِّنْ ذَکَرٍ اَوْ اُنْثٰی بَعْضُکُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَاَلَّذِیْنَ هَاجَرُوا وَ اُخْرِجُوا مِنْ دِیَارِهِمْ وَ اُوْدُوا فِی سَبِیْلِیْ وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَا کُفْرَنَ عَنْهُمْ سَیِّئَاتِهِمْ وَ لَا دَخَلَتْهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِیْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَ اللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ» (۱۹۵ آل عمران). پس خدا دعاهای ایشان را اجابت کرد که البته من (که پروردگارم) عمل هیچ کس از مرد و زن را بی مزد نگذارم، زیرا شما از یکدیگرید (و همه در نظر من یکسانید)، پس آنان که از وطن خود هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون رانده شدند و در راه من رنج کشیدند و جهاد کرده و کشته شدند همانا بدیهای آنان را بپوشانم و آنها را به بهشت هایی درآورم که زیر درختانش نهرها جاری است. این پاداشی است از جانب خدا، و نزد خدا است پاداش نیکو.



زیست مطلوب زن در سایه اختیار او برای تصمیم گیری در زندگی حاصل خواهد شد و خداوند این اختیار را به زن داده است که سرنوشت خود را تعیین کند. مساله انتخاب همسر و نیز مشارکت اجتماعی و سیاسی در اسلام مورد توجه قرار گرفته است.

از نیازهای مهم زن در زیست مطلوب، احترام و حفظ کرامت او از جانب خانواده و اجتماع است که با تعیین برخی قوانین در حوزه فعالیت های اجتماعی و نیز برخی قوانین در خانواده این کرامت و احترام تامین خواهد شد. سیره نبوی اصلاح نگرش نسبت به فرزند دختر و زنان، نقش مهمی در فرهنگ سازی برای حفظ کرامت زن داشته است. قداست بخشی به جایگاه مادر در فرهنگ دینی خود حرکتی در جهت حفظ این کرامت است با این حال، این نکته که هنوز با سبک زندگی و تفکر اسلامی در کرامت بخشی به زنان در جهان امروز فاصله داریم نیز مساله ای است که نیاز به تعمق و جستجوی راهکار عملی دارد.

در متون قرآنی و روایی راههایی در جهت پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان بیان شده است که باز به حفظ کرامت زن و احترام وی کمک می کند. در دیدگاه قرآن، ملاک مطلوبیت روابط اعضای خانواده به ویژه زوج، معاشرت به معروف است. در قرآن بیش از بیست بار واژه «معروف» برای جنبه های مختلف روابط خانوادگی، از جمله مناسبات زن و شوهر، به کار رفته است. معروف را آداب و شیوه های رفتاری مناسب در هر جامعه دانسته اند که عقلای آن به رسمیت می شناسند، یا هر عملی که افکار عمومی آن را شناخته شده و مانوس بداند و با ذائقه اهل هر اجتماعی سازگار باشد.

همچنین راههایی در جهت تحکیم خانواده و ملزم ساختن زوج به تعهدات او در قبال همسر بیان شده است که همگی در جهت حمایت از زیست مطلوب زن است. در سوره بقره به برخورد با زنان بر اساس معروف اشاره شده است: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۲۸) و زنان را بر شوهران حق مشروعی است چنانچه شوهران را بر زنان. علامه طباطبایی در تفسیر این کلمه می فرماید: «معروف» به معنای هر عملی است که افکار عمومی آن را عملی شناخته شده بداند، و با آن مانوس باشد، و با ذائقه ای که اهل هر اجتماعی از نوع زندگی اجتماعی خود به دست می آورد سازگار باشد و به ذوق نزنند.

نیز می فرماید: «کلمه «معروف» در آیات مورد بحث تکرار شده، یعنی در دوازده مورد آمده است و این بدان جهت است که خدای تعالی اهتمام دارد به اینکه عمل طلاق و ملحقات آن بر وفق سنن فطری انجام شود، و عملی سالم باشد، بنابراین کلمه معروف هم متضمن هدایت عقل است و هم حکم شرع و هم فضیلت اخلاقی و هم سنت های ادبی و انسانی» (طباطبایی، ج ۲: ۳۴۸)

و در ادامه می‌فرمایند: «چون اسلام شریعت خود را بر اساس فطرت و خلقت بنا کرده، معروف از نظر اسلام همان چیزی است که مردم آن را معروف بدانند، البته مردمی که از راه فطرت به یک سو نشده، و از حد نظام خلقت منحرف نگردیده باشند، و یکی از احکام چنین اجتماعی این است که تمامی افراد و اجزای اجتماع در هر حکمی برابر و مساوی باشند و در نتیجه احکامی که علیه آنان است برابر باشد با احکامی که به نفع ایشان است، البته این تساوی را باید با حفظ وزنی که افراد در اجتماع دارند رعایت کرد، آن فردی که تأثر در کمال و رشد اجتماع در شؤ و ن مختلف حیات اجتماع دارد، باید با فردی که آن مقدار تأثر را ندارد، فرق داشته باشد» (طباطبایی، ج ۲: ۳۴۹).

در نگاه قرآنی زن موجودی است که مایه آرامش است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم، ۲۱). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «خدای سبحان دنبال توصیف انسان به صفت انتشار به مساله خلقت زنان پرداخت، که آنان را به تجهیز فرمود که وجود او را مایه تسکین مردان کرد. و بین آنان و ایشان مودت و رحمت برقرار ساخت، زنان با جمال و کرشمه خود و با مودت و رحمت خویش دل مردان را به سوی خود جذب کنند پس زنان رکن اول و عامل اصیل اجتماع انسانند. (طباطبایی، ج ۴: ۳۴۳). بنابراین، هر نوع خشونت خانگی از جانب زنان نسبت به سایر اعضای خانواده، نیز مورد تایید نخواهد بود. این خشونت ها گاه، سبک زیست مطلوب زن را به کلی دگرگون ساخته و زن تبدیل به موجودی پرخاشگر، حق به جانب و خودخواه می‌کند که در این سبک، جایی برای آرامش اعضای خانواده و جامعه وجود ندارد.

در زیست مطلوب اجتماعی زن در اندیشه اسلامی، محدودیت های قانونی نیز مورد توجه است. محدودیت هایی که با دلایل عقلی و به سبب حفظ کرامت زن وضع شده اند. در جریان بیعت زنان به پیامبر گرامی اسلام و مشارکت اجتماعی آنان در آیه ۱۲ سوره ممتحنه به طور کلی از سرپیچی از فرمان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نهی شده است. علامه طباطبایی در تفسیر «و لا يعصينك في معروف» می‌فرماید: «در این جمله فرموده تو را معصیت نکنند، و نفرموده خدا را معصیت نکنند، با اینکه معصیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و نافرمانی نسبت به آن جناب هم، منتهی به نافرمانی خدا می‌شود، و این بدان جهت بوده که بفهماند آنچه رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در مجتمع اسلامی سنت و مرسوم می‌کند، برای جامعه اسلامی عملی معروف و پسندیده می‌شود و مخالفت با آن در حقیقت تخلف از سنت اجتماعی و بی اعتبار کردن آن است. از این بیان روشن می‌شود که عبارت (معصیت در معروف) عبارتی است که هم شامل ترک معروف، از قبیل نماز، روزه، و زکات می‌شود، و هم شامل ارتکاب منکر، از قبیل تبریج و عشوه گری زنان - که از رسوم جاهلیت اولی است - می‌شود. (طباطبایی، ج ۱۹، ۴۱۲).

و نیز در قرآن، سبک زیست عفیغانه را برای زنان پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، توصیه شده است: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اَقْبَبْتُمْ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب). ای زنان پیغمبر، شما مانند دیگر زنان نیستید (بلکه مقامتان رفیع‌تر است) اگر خدا ترس و پرهیزکار باشید، پس زنه‌ار نازک و نرم (با مردان) سخن مگویید مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد (بلکه متین) و درست و نیکو سخن گوید.

وقتی به زنان پیامبر که بیشترشان پیر و سالخورده بوده و زندگی ساده‌ای داشتند هشدار داده می‌شود که با کرشمه و ناز سخن نگویند، زنان جوان و زیبا باید حساب کار خود را بکنند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۳۵۹). این مساله نه توصیه ای به زن با هدف محدود ساختن اوست بلکه، سامانی به روابط اجتماعی زن، برای حضور موثر و به دور از نگاه جنسیتی به زن است.

ناگفته نماند که زندگی انسان، بدون وضع قوانین، نابه سامان خواهد بود و مورد هجمه دیگران قرار خواهد گرفت، بنابراین در راستای پیشرفت و حمایت از حقوق و سلامت روحی و جسمی زن، دین اسلام قوانینی را برای پوشش، رفتار و گفتار زن و نیز حدود و آدابی برای رفتار مردان قرار داده است تا در سایه رعایت این قوانین، استحکام خانواده حفظ شده و کرامت و منزلت زن نیز مصون بماند و عفت و پاک‌ی مردان نیز حفظ شود.

## ۵. نتیجه

برای رسیدن به شاخص‌های زیست زن در آیات و روایات باید استعدادها و نیازهای او بررسی شود و بعد وضعیت مطلوب این زیست، مورد توجه قرار گیرد تا شاخص‌ها از آن استخراج شود. بنابر آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت، از منظر قرآن و روایات، زن موجودی است دارای نقش مهم و جایگاه عظیم که توانایی و استعداد روحی برای کسب کمالات را دارد و هیچ مانعی برای او در کسب مقامات معنوی نخواهد بود. همچنین زنان نبوغ و استعداد ویژه‌ای در پذیرش حق دارند و این نشان از قدرت استدلال آنها دارد. همچنین زنان استعداد ویژه‌ای در مهرورزی دارند که به دلیل عواطف زیاد در وجود آنهاست که زمینه پرورش و تربیت فرزندان را فراهم می‌نماید. از دیگر استعدادهای زن، استعداد کنشگری اجتماعی است که به کرات در آیات و روایات و متون تاریخی به آن اشاره شده است. از جمله نیازهای زنان نیاز به آرامش، تکریم و احترام، شادی و حمایت است که اگر به این نیازها توجه نشود زن نخواهد توانست نقش خانوادگی و اجتماعی خود را به درستی ایفا کند.



از منظر دینی، وضعیت مطلوب زیست زنانه، وضعیتی است که او در سایه برطرف ساختن نیازهای خود استعدادهایش را شکوفا سازد و بتواند جایگاه خود را در اجتماع و خانواده، تثبیت نماید. بنابراین میتوان گفت، شاخص های زیر به عنوان شاخص های زیست مطلوب زن از منظر قرآن و روایات هستند:

۱. زیست در سایه دریافت کمالات روحی
۲. زیست در سایه اختیار
۳. زیست همراه با حفظ کرامت
۴. زیست همراه با آرامش و شادی
۵. زیست همراه با حمایت
۶. زیست متناسب با عرف و رفتار نیک
۷. زیست بدون خشونت
۸. زیست همراه به کنشگری اجتماعی
۹. زیست بر محور قانون و شرع

## منابع:

### ❖ قرآن

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، شیخ صدوق، (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲. آلان، کار، (۱۳۸۵)، روان شناسی مثبت، علم شادمانی و نیرومندی های انسان، حسن پاشاشریفی، جعفر نجفی زند و باقر ثنائی، تهران: انتشارات سخن.
۳. بهجت پور، عبدالکریم، (۱۳۹۴)، سبک زندگی فاطمی، دو فصلنامه پژوهشنامه سبک زندگی، سال اول، شماره اول، صص ۹۹-۱۲۰.
۴. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۵)، نهج الفصاحه، اصفهان، خاتم الانبیا.
۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۳)، زن در آیینه جلال و جمال، قم، نشر اسراء.



۶. خطیب، سیدمهدی، (۱۳۹۱)، شادی و شادکامی: درآمدی بر شادی از دیدگاه اسلام با رویکرد روانشناسی مثبت گرا؛ زیر نظر عباس پسندیده، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
۷. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۴)، وسایل الشیعه، انتشارات آل البيت.
۸. دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، (۱۳۸۵)، آسیب شناسی نگاه به زن و خانواده رویکردی برگرفته از فرهنگ نبوی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، مدیریت پژوهش قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۹. زعفرانچی، لیلا سادات، (۱۳۸۸)، اشتغال زنان، تهران، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری
۱۰. سالاری فر، محمد رضا، تبیک، محمدتقی، (۱۳۸۹)، مقابله با خشونت خانگی علیه زنان، قم، نشر هاجر. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۱)، الغیبه، قم، دارالمعارف الاسلامیه.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۸)، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی.
۱۲. علاسوند، فریبا، (۱۳۸۲)، مقاله «ارزیابی فقهی حقوقی کنواسیون»، کنواسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، مقالات و گفتگوها، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۳. کلینی، ابی جعفر، محمدبن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۶)، اخلاق در قرآن، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۱۵. مهدوی کنی، محمد سعید، (۱۳۸۶)، مقاله «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی» فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۹۹-۲۳۰.
۱۶. نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی، (۱۴۱۱)، مستدرک الوسائل، موسسه آل البيت (علیه السلام) لاحیاء التراث.
- ۱۷.